ادامه از صفحه ۱۱

انسان بحرانی، منطقه‌شمولی و تدوین پارادایم‌های نو آیین

نوبـورو کاوازو منطقه‌گرایی مـدرن را با همین رویکرد مطرح کرد: «چگونگی ترکیب میراث مکان با انتظارات مـدرن در میان معماران ژاپنی پس از جنگ که حس مشترکی نسـبت به اصول مدرن طراحی داشـتند.» تفکر حاکم بـر معماری ژاپن در دهه ۱۹۵۰ عملا کوششـی بـرای «اتحاد بین سـاختارهای چوبی سنتی ژاپن با فضای معماری نویـن بـود به نحوی کـه بتوان فضـای داخلی و بیرونی را تفسـیر کرد. می‌توان آن را نمونه ژاپنی تجزیه‌گرایی جدید و استعمار جدید رایج در اروپا به حساب آورد.» با این رویکرد دهه ۱۹۵۰ را می‌توان پیش‌پرداختی دانسـت بر رنسانس معماری ژاپن، معمارانی همچون سـاکوکورا، مائه کاوا و یاداما از جمله معمارانی بودند که با طراحی و ساخت آثاری همچون موزه هنر مـدرن کاماکورا، بانک نیپتون سونگو توکیو و بیمارستان بازنشستگان، زمینه‌ساز «ظهور آثار پر سـروصدا و مجادله‌برانگیز معماران دیگری شدند که بدیل‌های بدیع‌تری برای هرج و مرج سازه‌واره‌های فعلی شهرها داشتند، کنزو تانگه شاید مهم‌ترین اینها باشد.»

کنزو تانگـه از دو جنبه تفاوت‌هـای بنیادینی با پیشینیان خود داشـت اول آنکه نسبت به مدرنیسم در مقایسه با اسلاف خود از عصبیت کمتری برخوردار بود و دیگری بازگشت به عقبش بود برای یافت عناصر قابل تدقیق در صورت‌بندی نوینی که تحت شمول نو منطقه‌گرایی صورت‌بندی می‌شد: «تانگه اولین معماری بود که در ژاپن، دلالت‌های پیوند ناهمگون سنت‌های آسیایی و اروپایی در چاندیگار را برای یافتن زبان نو در معماری یادبودی کشور خود اقتباس کرد. در حقیقت، در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ برج‌ها و مراکز شهری متعددی به صورت تلاش‌های خالصانه برای نشان دادن منظر میادین عمومی شـهروندان در دموکراسی تازه پدید آمد، تانگه تلاش کرد ضمن اجتناب از دلالت‌های مقتدرانه به نوعی ابرازگری یادبودی برآمده از سنت‌های طراحی ژاپنی نیز دست یابد، ورزشگاه المپیک توکیو در سـال ۱۹۶۴ نمودی از این گرایش است... اثری که در آن دوره فقط با آثار یورن اُتزِن، پی‌یر لوییجی نِروی، فِرای اتو و ارو سارینن قابل قیاس است، جدا از آنکه در این بازه معماری مدرن ژاپنی در چارچوب منطقه‌گرایی نوین ارزیابی می‌شود.»

آثار معمـاری او در ژاپن به یک میـزان موافق و مخالف دارد، اما شـاید آنچـه او را در مقیاس جهانی معـروف کرد همـان عنصری بود کـه پس از جنگ جهانی دوم تمامی معماران را به خود مشـغول کرد؛ شهر، رهنمودهای شهرسـازی او و دیگر همکارانش پس از ۱۹۵۹ بود که به واسطه فقدان پارادایم سترگ شـهری مخاطب خود را یافت و به سـرعت در میان متخصصان این حوزه نفوذ کرد.

همانگونه که پیش‌تر آمد، در ۱۹۶۰، کنزو تانگه به همراه کامیا، ایسـوزاکی، واتانابه و کروکاوا، طرح جامع توکیو را تدارک دیدند «طراحان، حداقل جمعیت مورد نیاز مادرشـهر را ۱۰ میلیون نفر با مسایل سازماندهی کاملا متفاوت از شهرهای سنتی ارزیابی کردند، چرا که مادرشهر نیاز به شبکه ترافیکی جدیدی دارد که بتواند با روگذرها و زیرگذرهای خود پاسخگوی ترافیک سنگین فزاینده باشد. از اینجا ایده خیابان‌محوری زاده شد...

پی‌نوشت:

۱- نـگارش ایـن مقاله بدون کمک بزرگوارانه سـارا وایتینگ رییس دانشکده معماری دانشگاه رایس در ارسال مقاله «تبِ شبکه» نوشته مارک ویگلی و لطف بی‌پایان ژنگجی لین برای ارسال مقاله «برج کپسولی ناکاگین؛ بازبینی آینده گذشـته متاخر» امکان‌پذیر نبود، عنوان مقالـه بر دو لایه معنایی تخنه در قامت مرجع واژه تکنیکون به عنوان منشـا واژه تکنولوژی تاکید دارد، تخنه و اپیستمه هر دو بر شناخت تاکید دارند اما انکشافات حاکم بر تکنولوژی جدید بر تعارض موکد می‌شود تعارض بر طبیعت. برای آگاهی بیشتر ببینیـد مقاله پرسـش از تکنولوژی نوشـته مارتین هایدگر را با برگردانی از شـاپور اعتماد که در شماره یک فصلنامه ارغنـون زیر عنوان مجموعه فرهنگ و تکنولوژی به چاپ رسیده است.

۲- سردبیر سایت تخصصی معماری شهرسازی اتوووود

3- The Congrès internationaux d'architecture moderne – CIAM (International Congresses of Modern Architecture)

۴- - ۱۸۸۷ - ۱۹۶۵، شـارل ادوارد ژانـره، معروف به لوکوربوزیه، معمار سوییسی‌تبارِ فرانسوی، وی شاید مهم‌ترین مدرنیست در میان معماران و تاثیرگذارترین معمار قرن بیستم باشد.

۵- - ۱۸۸۸ - ۱۹۶۸، تاریخ‌نـگار و منتقـد معماری سوییسی، مهم‌ترین کتاب وی «فضا، زمان و معماری» بارها و بارها توسط ناشران مختلف به فارسی برگردانده شده است.

۶- - ۱۹۰۱ - ۱۹۷۴، معمـار آمریکایی، او از دل یک سـنت تاریخ‌گرایی بی‌نهایت عمیق بیـرون می‌آید، تاثیراتی که از بوم در طرح‌هایش آورده و نوع درکی که از زیبایی‌شناسی سازه ارایه داده در نوع خود بی‌نظیر اسـت، وی را یکـی از معمارانی می‌داننـد که اولین افق‌های عبور از مدرنیسم و روی کشیدن در وضعیت مابعد مدرن را تحریر کرد.

۷- - ۱۸۶۷ - ۱۹۵۹، معمـار آمریکایی، وی به دلیل اشـاعه نوعی نگاه ارگانیـک در طراحی و تحریر یک بیان رمانتیک و درگیر بوم از معماری مدرن در تاریخ معماری جایگاه ویژه‌ای دارد.

۸- - New Regionalism، برای مطالعه بیشـتر ببینید فصل هفتم کتاب ریشـه‌های معماری مدرن نوشته کریستین نوربرگ شولتز را.

کمون پاریس

حکومت بر «خود»

امین باقرپور

در سـال ۱۸۷۰ جنگی میان فرانسـه لویی بناپارت و آلمان بیسمارک (۱) درگرفت و سرانجام به شکست بناپارت در سـدان (Sedan) انجامید. در چهارم سـپتامبر ۱۸۷۰ حکومت جمهوری در فرانسه اعلام شد. چون رهبران طبقه کارگر در زندان‌های بناپارتی به سر می‌بردند از این‌رو با توجه به شـرایط به‌وجودآمده طبقه کارگر مجبور شد حاکمیت تی‌یر(۲) به عنوان رییس قوه‌مجریه و تروشو(۳) سردار این حکومـت و ژول فاور(۴) وزیر امورخارجه را تحمل کند اما به شرطی که قدرت آنها در جهت دفاع ملی باشد. از طرف دیگر از آنجا که کشور در محاصره دشمن پروسی قرار گرفته بود از این‌رو اکثریت مردم برای دفاع مسـلح شـده بودند. سرانجام داروِدسته تی‌یر در کشاکش میان منفعت طبقاتی و دفاع ملی، منافع طبقاتی را برگزیده و به ورسای فرار و آن را پایتخت اعلام کردند. پس از چهار ماه نبرد در ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ حکومت دفاع ملی با تسلیم پاریس به بیسمارک در واقع دست‌نشاندگی خود را به اثبات رساندند. این مدافعان مالکیت ارضی و سرمایه بر آن بودند تا با پشتیبانی دشمن پیروز نوعی جنگ داخلی را با جنگ خارجی پیوند بزنند و برای تامین خواسته‌های خود به هر توطئه‌ای جهت یکسره کردن کار مردم پاریس چنگ می‌زدند. کارگران پاریس هم بر ایـن اراده بودند تا همه خطرات و ناملایمات مقاومت را در مقابل توطئه‌های داخلی و سـلاح‌های پروسی به جان خریده و هراسـی به دل راه ندهنـد. به هر حال حکومت ورسـای تلاش می‌کرد تا به هر شـکل شـده چه در قالب حمله یا تظاهرات مسالمت‌آمیز یا تظاهرات مسلحانه باروی انقلاب را به لرزه درآورده و فرو ریزند، اما هر بار به شکست خفت‌بار آنها منجر می‌شد. در مقابل، زندانیان پاریسی را در ورسـای مورد همه‌گونه آزار و اذیت قرار می‌دادند. سرانجام روز ۲۶مـارس ۱۸۷۱ اعضای کمون برگزیده شـدند و در سـپیده‌دم ۲۸ مارس موجودیت کمون اعلام شد و کمیته گارد ملی به نفع او کنار رفت.

طبقه کارگر به این فکر نبود که ماشین دولتی سابق به صورت موجودش باقی بماند و او فقط بکوشد این ابزار را در جهـت منافع خودش به کار انـدازد. در کل پیدایش قدرت تمرکزیافته دولت، با اندام‌های همه‌جا حاضرش از قبیل ارتش دایمی، دستگاه اداری و دستگاه قضایی که از راه تقسیم کاری منظم و دارای سلسله‌مراتب شکل گرفته‌اند به دوره پادشاهی مطلق برمی‌گردد. انقلاب کبیر فرانسه در قـرن هیجدهم تمـام امتیازهای خدایـگان و خواجه‌هـای اشـرافیت و دیگـر امتیازهای قرون وسـطایی به‌جامانده از فئودالیسـم را از صحنه تاریخ پاک کرد و به‌این‌سـان بسـتر اجتماعی دولـت مدرن را فراهم کرد. در نظام‌های سیاسی بعدی، حکومت تحت نظارت مجلس اما در واقع تحت نظارت و سلطه طبقه دارا و قدرتمند قرار گرفـت و به جـای پرداختن به منافـع و مصالح عمومی بـا پرداختن به منافع خاص تغییر ماهیت داده و از حالت خدمتگزاران جامعه به خدایگان جامعه تبدیل شدند. مزایا و امتیازهای این شیوه حکومت از قبیل مقام و سود و حمایت‌های مالی به یک اختلاف دایمی میان گروه‌های رقیب و سودجو و ماجراجویان طبقه حاکم تبدیل شد. قالب مناسب حکومت این طبقات حکومتی به شکل یک شرکت سهامی و آن جمهوری پارلمانی (دموکراتیک) است. نمونه بارز این شیوه حکومتی در ایالات متحده آمریکاست که در آن دو حزب بزرگ یعنی دموکرات و آزادیخواه که هر دو نماینده منافع سرمایه‌های مالی‌اند مثل دو کارتل سیاست‌باز و معامله‌گر سودجو به نوبت جای همدیگر را در دستگاه قدرت می‌گیرند. ایـن دو حزب پس از پیروزی در انتخابات پاداش فعالیت‌ها و تبلیغات اعضا را با اعطای مقامات دولتی به آنها می‌پردازند. اما کمون فریاد جمهوری اجتماعی بود.

اعضای کمون با رای مردم انتخاب می‌شدند و این افراد در هر لحظه پاسخگو بودند و مقام‌شان پس‌گرفتنی بود. کمون، ارتش دایمی را منحل و به جای آن ارتش مردمی برقرار کرد. در تمامی رده‌ها از کوچک‌ترین روستا گرفته تا مرکز حکومت هـر مقامی در نیروهای انتظامی، دسـتگاه اداری، قضایی و آموزشـی بر مبنای انتخاب از طریق آرای عمومی بود و این مقامات پس‌گرفتنی و در هر لحظه باید پاسـخگو می‌بودند. کمون بر آن بود که نهادهای به واقع دموکراتیک ایجاد کند. تمـام کارکنان خدمـات اداری از پایین‌ترین تا بالاترین رده دستمزدی برابر دریافت می‌کردند. رشوه‌گیری‌ها و درآمدهای معمول مقامات محلی و دولتی همراه با خود مقامات از بین رفتند. موسسات آموزشی به صورت رایگان برای عموم آزاد و حوزه آموزشی از هرگونه دخالت کلیسا و دولت برکنار شد. کمـون بر آن بود تـا هر نقش مهمی که برای یک حکومت مرکزی وجود دارد افرادی را دقیقا پاسخگو در آن نقش‌ها قرار دهد. بر حفظ وحدت ملت می‌کوشید.

بردن دو سرچشمه اصلی هزینه‌های دولتی یعنی ارتش و دستگاه‌های اداری این موضوع را عملی کرد. کمون حاصل نبرد طبقاتی تولیدکننده بر ضد طبقات دارا و برخوردار بود. کمون تلاش می‌کرد تا پایه‌های اقتصادی طبقات و نیز خود سـلطه طبقاتی را برافکند و می‌رفت تا با رها شـدن کار از قید سرمایه همه افراد جامعه کار کنند و کار کردن و تولید کردن دیگر مخصوص طبقه معینی نباشد. کمون بر آن بود که مالکیت طبقاتی که کار اکثریت را شرط لازمی برای تولید ثروت اقلیتی محدود قرار داده است، براندازد. کمون پاریس با تعدادی کارگر ساده به خود جرات دادند تا با مالکان و اربابان خویش حمله‌ور شوند. کمون نخستین انقلابی بود که در آن طبقه کارگر نشان داد که به عنوان یک طبقه می‌تواند ابتکار و خلاقیت اجتماعی خویش را به نمایش گذارد. کمون بر آن بود تا دهقانان و فرودستان را از پرداخت مالیات خون معاف دارد و بـرای این طبقه حکومت ارزان تاسـیس کند و آنان را از شـر زالوهای حکومتی نجات بخشد. مجموعه اقدامات بزرگ کمون چیزی جز بیانگر گرایش کلی و واقعی حکومت مردم بر مردم نبود. بورژوازی در حقیقت حکومت «برخود» را تهدیدی علیه خویش می‌داند. در حالی‌که حکومت ورسای از کاربرد هر نوع توطئه و خشـونتی علیه کمون خودداری نمی‌کرد اما کمون با رعایت همه ظواهر و شوون لیبرالیستی به خویش و اعتماد مردم ظلم می‌کرد. در حالی که حریف از کاربرد هر وسیله‌ای ابایی نداشت کمون هم باید مقابله به مثل می‌کرد. کمـون با تصرف بانک ملی که تمام امید بورژوازی به آن بسـته بود، می‌توانسـت آنها را تحت فشـار قرار داده و امتیاز بگیرد امـا از ایـن اقدام مهم غفلـت ورزید. گرچه نیـز ژاک لافیت بانکدار لیبرال فرانسوی بدون اینکه بفهمد راز را افشا و به یار غار خویش لویی فلیپ گوشزد کـرده بود که «از این پـس دور، دور بانکدارهاست» اما کمون از نقش مهم بانک غافل ماند.

> **در هر انقلابی پیش می‌آید که کنار نمایندگان راستین خویش گروهی خارج از گود برای خود جا باز کرده و سابقه‌ای به‌عنوان انقلابی دست اول خلق می‌کنند. تعدادی از این قماش افراد وارد کمون شده و مانع عمل واقعی طبقه کارگر می‌شدند**

در هـر انقلابی پیـش می‌آید که در کنار نمایندگان راسـتین خویش گروهـی خارج از گود بـرای خود جا باز کرده و سـابقه‌ای به‌عنوان انقلابی دسـت اول خلق می‌کننـد. تعدادی از این قماش افراد وارد کمون شده و مانع عمل واقعی طبقه کارگر می‌شدند. قابل ذکر است که همین افراد از ناکجاآمده‌ای است که در طول روزگاران نگذاشـته‌اند هیچ انقلابی به نتیجه و هدف واقعی‌اش برسد.

در ایام حکومت کمون دیگر آدم‌کشـی، دزدی، ناامنی و تهاجم مشاهده نمی‌شد. گویا پلیس و دم و دستگاهش که به ورسای رفته بود همه آن عواملی که سبب به‌وجود آوردنش شده بود نیز با خود برده بود.

سـرانجام ورسای‌نشـینان با پروس متحد شـده و آنها نیروهای اسـیر فرانسـوی را آزاد کردنـد و زمان می‌رفت تا همه چیز را برای سـرکوبی کمون از قبیل قانون، نیروهای سرکوبگر و حمایت خارجی فراهم کند تا ریشه‌اش خشکانده شـود. تی‌یر بر این عقیده بـود که با پیروزی بر کمون آنچه به‌نام آزادی و عدالت و نظم و انسـانیت است تحقق می‌یابد. به‌راستی هم‌چنین بود که عدالت و تمدن درخشان و پرافتخار بورژوازی هر بار که فرودسـتانی این‌گونه برضد بالادستان و اربابـان خویش قیام و حرکتی انجام می‌دهند چهره شـوم خود را نشـان می‌دهد. در طول هشـت روز مبـارزه نابرابر بیش از ۶۰هزار نفر از مرد و زن و کودک پاریسـی در خون خود غلتیدند و به مناسبت همین کشتار عظیم و بی‌رحمانه شورشـیان ژوئن بود که مارکس برمی‌آشوبد و فریاد می‌زند: «انقلاب مرد، زنده‌باد انقلاب!» گویا هنگامی که حکومت‌ها دستور به کشتن و سـوزاندن و ویران کردن می‌دهند اینها به هیچ‌وجه کشتن و سوزاندن نیست در حالی که در جنگ بردگان بر ضد خدایگان ستمگر خویش که تنها جنگ عادلانه و درست در تاریخ بشر است دیگر این قاعده را قبول ندارند. بورژوازی امروزی هر سلاحی در دست خودش بر ضد مردم را سلاحی عادلانه می‌داند در حالی که اگر همان سلاح به‌دست مردم افتاد آن وقت نوعی جنایت است.

منبع:

جنگ داخلی در فرانسه ۱۸۷۱، کارل مارکس، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، سال ۱۳۸۰

پی‌نوشت‌ها:

۱- بیسـمارک (۱۸۹۸-۱۸۱۵)، نجیب‌زاده روستایی ناحیه پومرانی پروس کـه با کمک بورژوازی سـرمایه‌دار و ارتش توانست آلمان را متحد کند و تا سال ۱۸۹۰ صدراعظم آلمان بود و با هر گونه جنبش دموکراتیکی و سوسیالیستی مبارزه کرد.

۲- تی‌یر (۱۸۷۷-۱۷۹۷)، مورخ و سیاسـتمدار، از ۱۸۳۰ تا پیش از مرگش نقش‌ها و سمت‌های فراوانی در سیاست فرانسه ایفـا و تجربه کرد. عامل جنگ داخلـی در ۱۸۷۰ با حمایت سـلطنت‌طلبان و ژنرال‌هـای طرفدار بناپـارت و کمک‌های بیسمارک پاریس را گلوله‌باران و کمون را سرکوب کرد.

۳- تروشـو (۱۸۹۶-۱۸۱۵)، ژنرال، ۱۸۷۰ فرماندار پاریس شـد. چهارم سپتامبر ۱۸۷۰ رییس حکومت دفاع ملی شد. طرفدار روحانیت و سلطنت‌طلب.

۴- ژول فاور (۱۸۸۰-۱۸۰۹)، وکیل دعاوی و سیاسـتمدار، وزیر امورخارجه مامور مذاکره با بیسمارک، یکی از معماران اصلی تسلیم پاریس به پروس و دشمن سرسخت کمون.

ادامه از صفحه ۱۱

تحلیلی بر زبان مساله‌گرایی

ادبیات مساله‌گرا ما را با خودمان روبه‌رو می‌کند ولی ادبیات کلام- محور شـبه- مسـاله‌گرا ما را با دیگری درگیر می‌کند. مسـاله ادبیات مسـاله‌گرا، مسـاله خود ماست اما مساله ادبیات کلام- محور، مساله دیگری است.

ادبیات مساله‌گرا آرمان‌های تحقق‌پذیر را در برابر دیدگان مخاطب و جامعه قرار می‌دهد. اما ادبیات شبه‌مسـاله‌گرا، به ورطه آرمان‌هـای تحقق‌ناپذیر می‌غلتد و نهایتا هم به روزمرگی می‌رسـد. ادبیات مسـاله‌گرا مولد فهم نقش اجتماعـی افراد در هر مرحله تاریخی و متناسب با مسایل اصیل آنهاست، در حالی‌کـه ادبیات مسـاله‌رها، مانع دیدن نقش اجتماعی افراد و فهم آن است.

و دیگر آنکه، ادبیات شبه‌مسـاله‌گرای کلام- محور، اسیر یک دور باطل است. چرا که از یک‌سو تحت تاثیر ناعقلانیت مسلط، مرتبا از عقلانیت و مساله‌گرایی تهی شده و از سوی دیگر تحت تاثیر فقدان عقلانیت و مساله‌گرایی درونی‌اش، به عامل تثبیت همان مناسـبات ناعقلانی مسلط تبدیل می‌شود و این دور باطل گفتمان‌های رایج هر نسل را هم تعیین می‌کند بی‌آنکه فعالان هر نسـل از وجود چنین دور باطلی در زنگی‌شان آگاه باشند. تنها راه شکسـتن این دور باطـل، خلق ادبیات مسـاله-محور غیرایدئولوژیـک و غیرتئولوژیک (ونـه الزامـا ضدایدئولوژیک یـا ضدتئولوژیک) اسـت. ادبیاتی که مبتنی برعقلانیت مساله‌گرا و مبتنی بر نقدپذیری دوسـویه (خـود و دیگری) سـت. نقدپذیری دوسـویه، تمایز دیگری است میان جوامع ماقبل عقلانیـت و مابعد عقلانیت. از ویژگـی بارز جوامـع ماقبل عقلانیت یکی هم این است که به‌جای نقد، ادای نقد را درمی‌آورند. ادای نقـد را درآوردن، چیزی نیسـت جز تلاش نقد دیگری برای توجیه خود، چیزی نیسـت جز تـلاش برای نقدناپذیرماندن خـود. غافل از آنکه فقط با نقدپذیری دوسویه است که فضای مناسب برای گفت‌وگو و دیالوگ ایجاد می‌شـود و امکان خلق و ظهور ناقدانی خوش‌ذوق، مدیرانی مبتکر، روشـنفکرانی مسـاله‌گرا و ادیبانی شجاع فراهم می‌شود. با همین ابتکار و با همین روش است که به‌تدریج دور باطل ادبیات مساله رها شکسته شده و جامعه‌ای از شر آن خلاصی می‌یابد؛ درست به همان صورت که پیش از این، حاملان مساله‌گرا و عاملان نقدپذیری چون بیهقی، ابن‌سینا، سعدی و حافظ، این دور باطل را شکستند و امروزیان را مدیون خود کرده‌اند.

جدول ۱۴۵۳

افقی:

۱- قدیمی‌هـا می‌گوینـد دواگلی- همیشه، پیوسته ۲- دوستان- کوهی در حوالی یزد- با اهمیت ۳- شکستنی ورزشی- شاعر و ادیب سیاهپوست آمریکایی و خالق اثر «شیپور خدا»- کشـور نیشکر ۴- پسوند شـباهت- اهریمن- نشانه جمع- شهر اصفهان ۵- پایتخت فراعنه- مرد کوچک ۶- گاز اسـتخر- وسیله کشاورزی- در پناه ۷- غذای مریـض- از مرکبات- اسـقف ۸- دوسـتان نزدیک- صحرای آزمایشـات نظامـی آمریکا- پشـیمان ۹- شایستگی- دعا، پرستش- قمر زمین ۱۰- خاستگاه اشـکانیان- چگونه- پول کره ۱۱- خواب شـیرین- بچـه‌ای که برای انجام کاری پافشـاری زیاد می‌کند ۱۲- درویـش- ارجمندی- از افعال ربطی- حرف ندا ۱۳- از اجزای تفنگ- مرد خطبه خوان- خیس شدن ۱۴- چیز- کوهی که کشتی نوح بر آن نشست- شتر بی‌کوهان ۱۵- همراه- تمساح

عمودی:

۱- سدی در اسـتان خوزستان- منزل بزرگ- نام سـابق شهرضا ۲- بیشـتر صندلی‌ها دارند- مرکز خلافـت حضرت علـی (ع)- نرم ۳- تنبـل جالیزی- جرعـه جرعه- امر به نشسـتن ۴- رودی در شـمال یونان- شـرح کتـاب اوسـتا ۵- خونبها- آدمکشـی سیاسـی- صد متر مربـع ۶- از مرتجعیـن- زگیل- خط کش مهندسـی- عقل ۷- کامیون ارتشی- برادر حضرت موسی (ع)- بخشیدن ۸- فیلسوف فرانسوی- تـو بنـوش- بـا هـوش ۹- از واژه گان پرسشـی- جدول‌ها- دفعه ۱۰- قوم آتیلا- نشـانه مفعولی- در این مکان-دوم شخص مفرد ۱۱- توده متراکم بخـار آب در هوای مجاور سـطح زمین- از قاریان قرآن- همراه چفت ۱۲- فیلمی از رسـول ملا قلی پور- آخرین نبرد ناپلئون ۱۳- منسوب به خاندان امیه- کودکی که تازه به دبسـتان رفته- مسـرور ۱۴- امامت- اشرار- اشـرف مخلوقات ۱۵- دلیر، بخشنده- پوشاک- مسابقه پایانی

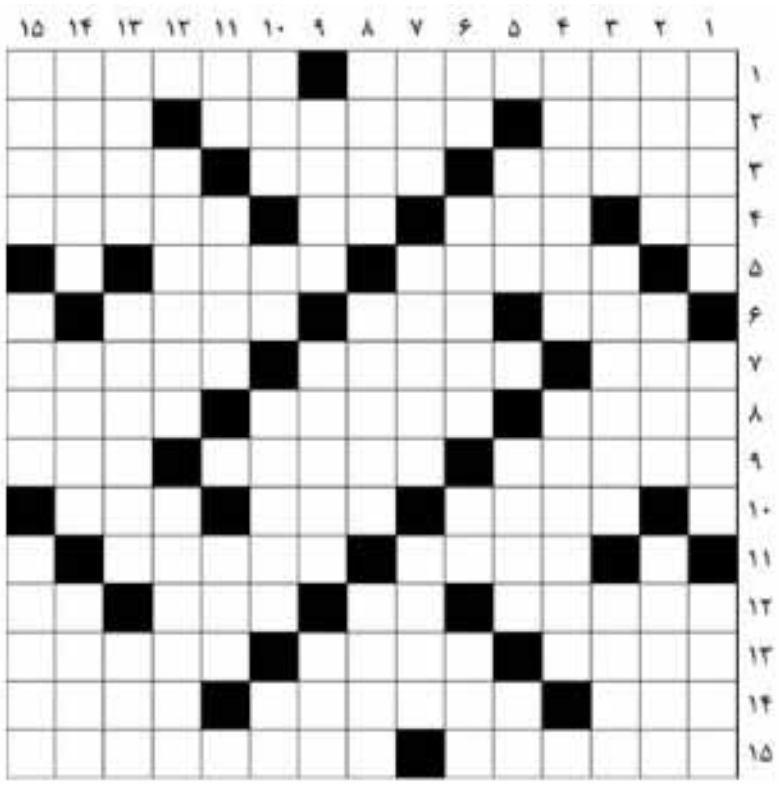

حل جدول ۱۴۵۲

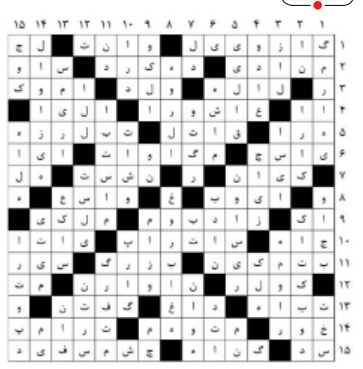

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۵۶

۴	۹				۸	۵		۲
				۴		۹	۶	۳
۲			۷	۹		۱	۸	
۸		۴	۹			۶		
	۶			۷	۱	۲		
۹	۲			۵		۷		
۱			۵	۸			۹	۶
۳	۵		۴			۸		
			۱	۳			۵	۷

حل سودوکو ۴۵۵

۶	۳	۴	۷	۸	۲	۵	۱	۹
۱	۵	۲	۴	۳	۹	۸	۷	۶
۷	۸	۹	۱	۶	۵	۳	۲	۴
۳	۷	۱	۵	۹	۶	۲	۴	۸
۴	۹	۸	۲	۷	۱	۶	۳	۵
۲	۶	۵	۸	۴	۳	۷	۹	۱
۹	۲	۳	۶	۵	۴	۱	۸	۷
۵	۱	۷	۹	۲	۸	۴	۶	۳
۸	۴	۶	۳	۱	۷	۹	۵	۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۰۴

۱					۹		۴	
	۲	۵	۱	۳				
			۷	۵		۲		۱
			۸		۲			۷
	۴			۶		۱		
۵		۹				۶	۳	
۳		۷	۵					
۸	۹		۶					
۲					۳	۸		
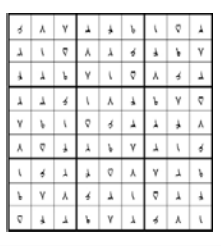
حل سودوکو سخت